

## شاهنامه\_ انه/ید و تقابل برخی مضامین جنگ

هاله زرگرزاده\*

Email: h-zargarzadeh@mail.com

### چکیده

امروزه در حوزه پژوهش‌های ادبی، مطالعات تطبیقی از شعب جدید و پیر اقبال محسوب می‌شوند. طبعاً دو ملت یا فرهنگ و تاریخ و ادبیات متعلق به ایران و رم، به دلیل سابقه درخشان و طولانی و خاستگاه مشترک نژادی و زبانی در هزاره‌های بسیار دور و گم شده، همانندها و نکته‌های سزاوار توجهی خواهند داشت. با این پیش فرض که کلیت آن بر پایه قرائن گوناگون و پژوهش‌های مستند مختلف تایید شده است؛ در مقاله حاضر دو منظومه حماسی معروف و ارزشمند، شاهنامه فردوسی و *انه/ید* (The Aeneid) ویرژیل را انتخاب و مضامین مختلف جنگ را در آن دو مورد بررسی قرار داده‌ایم.

بدین منظور، ابتدا تعدادی از مضامین مهم جنگ انتخاب و با هم مقایسه گردید؛ که نتایج حاصل حاکی از آن بود که شمار بن‌مایه‌های مشترک بین این دو اثر بیش از وجوه اختلاف آنها است. از جمله موارد مشترک می‌توان به انتقام جویی، حضور جنگجویان زن، نبردافزارهای ویژه قهرمانان، به غنیمت گرفتن و یا به تن کردن زره، کمربند، کلاه یا سایر وسایل دشمن اشاره کرد. موارد متفاوت میان این دو اثر هم، رویین تنی قهرمانان و سخن گفتن آنها با نبردافزارها است.

طبق نتایج حاصل شایسته است علم، دانش و استادی این دو شاعر را ستود؛ شاعرانی که علیرغم تفاوت‌های زمانی و مکانی، توانسته‌اند آثاری با بن‌مایه‌های مشترک خلق کنند. این تشابه میسر نمی‌گردد مگر به دلیل وجود ریشه‌های کهن و مشترک فرهنگی میان این دو ملت که بر پایه بسیاری از پژوهش‌های علمی مورد تایید قرار گرفته‌اند. با این تفاسیر می‌توان باری دیگر فرهیختگی و توانمندی فردوسی و ویرژیل را تحسین کرد؛ چرا که پس از گذشت یک و دو هزاره هنوز هم توجه اندیشمندان، پژوهشگران، مصححان و مترجمان پیشماری را به خود جلب کرده‌اند.

### کلید واژه‌ها

ادبیات تطبیقی، شاهنامه، *انه/ید*، کین خواهی، آمازون‌ها، رزم جامه، غنائم جنگی، رویین تنی قهرمانان و سخن گفتن با نبردافزار.

ادبیات تطبیقی چیست؟ بررسی ادبیات و فرهنگ دو یا چند ملت. این نوع مطالعات، موضوعات جدیدی را پیش روی پژوهشگران گذاشته و دامنه تحقیقات آنها را گسترده‌تر می‌کند. سخن در باب شاهنامه و *ان‌اید*، این دو اثر حماسی ادبی زیاد است؛ کتابها و مقاله‌های زیادی در مورد آنها نوشته شده‌است.

کامران جمالی (۱۳۶۸)، ضمن معرفی برخی مترجمان و شاهنامه‌شناسان ایرانی و خارجی، شاهنامه را با *ایلیاد*<sup>۱</sup> و *اودیسه* مقایسه کرده است. محمود عبدیان (۱۳۶۹) نیز راجع به همانندیها و ناهمانندیهای شاهنامه، *گیگمش*<sup>۲</sup> و *ایلیاد* سخن گفته است. پرفسور حسن عابدی (۱۳۷۰) در مورد آوازه شاهنامه در هند تحقیق کرده‌است. منوچهر مرتضوی (۱۳۷۲) به معرفی محققان خارجی شاهنامه پرداخته‌است. در مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت فردوسی (۱۳۷۴) که به کوشش غلامرضا ستوده گردآوری شده‌اند، پرفسور ت. کوروویانائی به معرفی مترجمان و مولفان ژاپنی شاهنامه پرداخته‌است. هاشم رجبزاده هم با مقاله‌ای تحت عنوان "نگاهی به شاهنامه‌شناسی در ژاپن و برگردانهای ژاپنی شاهنامه" در این کنگره شرکت داشت، کلیم سه‌سرامی نیز درباره احوال فردوسی و ترجمه‌های ینگالی شاهنامه تحقیق کرده‌است، جانگ هوی به بررسی شاهنامه فردوسی در کتابخانه‌های قدیم چین پرداخته است، عبدالله ظهیری در مقاله‌ای به طور مختصر شاهنامه را با *بیوولف*<sup>۳</sup> مقایسه کرده‌است، پرفسور ویورل باجاکو در مورد فردوسی در فرهنگ رومانی سخن رانده است، "نمونه‌ای از نفوذ فردوسی در شبه قاره هند و پاکستان" عنوان مقاله‌ای است که توسط دکتر مهرنور محمدخان از پاکستان نوشته شده‌است، دکتر ابوالقاسم رادفر با مقاله‌ای تحت عنوان "پژوهش و ترجمه درباره فردوسی و شاهنامه در اتحاد جماهیر شوروی" در این کنگره حضور داشت علیقلی محمودی یختیاری (۱۳۷۷) نیز مترجمان و محققان شاهنامه را معرفی کرده‌است. ماگالی تودوا (۱۳۷۷) شاهنامه را به طور سطحی یا سایر حماسه‌های جهان مقایسه کرده، ولی معتقد است که باید رساله‌ای در این مورد نوشته شود تا این آثار عمیق‌تر مورد بررسی قرار گیرند. جی ای کادن (J. A. Cuddon) (۱۹۹۹) ابتدا ویژگیهای انواع حماسه را توضیح و چند مورد از آنها را نام برده و سپس خلاصه‌ای از آنها را بازگو کرده‌است. او بر این اعتقاد است که شاهنامه، به عنوان یک حماسه ملی، هم تراز *ان‌اید* و *لوسیداس* (Os Lusitadas)<sup>۴</sup> می‌باشد. گرچه زرین-کوب (۱۳۸۱) شاهکار فردوسی را با *ایلیاد* مقایسه کرده، اما در یکی از مقاله‌هایش اذعان می‌کند که شاهنامه بایستی با *ان‌اید* مقایسه شود نه با *ایلیاد* و *اودیسه*. ذبیح الله صفا (۱۳۸۴) هم در مورد اهمیت و مقام شاهنامه، ترجمه‌ها، تحقیقات و نفوذ آن در ادبیات جهان سخن رانده است.

مطالعه و تحقیق در باب *ان‌اید* بیشمار است که در این میان به ذکر چند مورد اکتفا می‌کنیم اندرسون (Anderson)، برتمان (Bertman)، استرانگ (Strong)، وسوک (Wlosok)، بریسون (Brisson)، کمپس (Camps)، فورمن (Forman)، پوچی (Poschi)، میلخ (Milch) و هیسنز (Heinze) مضامین و جنبه‌های مختلف *ان‌اید* را با حماسه *گیگمش* (The Gilgamesh)، *بهشت از دست رفته* میلتون (The Paradise Lost)، *دوزخ*

(The Inferno) دانته، *متامورفوسس* (The Metamorphoses) اویسند، *ظوفنان* (The Tempest) شکسپیر و *یوتوپیا* (The Utopia) از آثار توماس مور مقایسه کرده‌اند. همانطور که ملاحظه می‌شود تاکنون این دو اثر آن طور که شایسته است به طور عمیق و جدی با هم مطابقت داده نشده‌اند. به منظور دستیابی به نتایج جدید و پر کردن این خلا، در این مقاله به مقایسه *شاهنامه* و *انهاید* می‌پردازیم. نکات مورد بررسی در این جستار عبارتند از: آیا کین خواهی رزم‌آوران را به سوی میدانهای نبرد می‌راند؟ آیا جنگجویان زن هم در این حماسه‌ها نقش آفرینی می‌کنند؟ آیا قهرمانان رزم‌جامة و نبردافزار ویژه دارند؟ یا غنائم جنگی چگونه برخورد می‌شود؟ آیا قهرمانان رویین تن هستند؟ آیا دلاوران با نبردافزارهای خود سخن می‌گویند؟ اما قبل از این که به بررسی این موارد بپردازیم شایسته است توضیحات مختصری از هر دو اثر داده شود.

*شاهنامه*، این شاهکار هنری فردوسی، در قرن دهم میلادی سروده شده است و حدود پنجاه هزار بیت دارد. محتوای آن، گزارشی از تاریخ ملی و نه واقعی ایران از آغاز پادشاهی کیومرث تا پایان پادشاهی یزدگرد سوم ساسانی است. طبق نظر محققان، *شاهنامه* در یک تقسیم بندی صوری و ساختاری به سه بخش اساطیری، حماسی (پهلوانی) و تاریخی تقسیم گردیده است. مهمترین و مشهورترین پهلوان *شاهنامه* رستم نام دارد که از حدود پادشاهی منوچهر تا دوره گشتاسپ در *شاهنامه* حضور دارد.

ویژگی<sup>۵</sup> این شاعر نامی رم، با خلق آخرین اثرش *انهاید*، در قرن یکم قبل از مسیح به شهرت رسید. این حماسه، که طبق گزارش لامباردو یازده هزار و هفتصد و سی و شش خط است، سرگذشت زندگی انه را در دوازده کتاب بازگو می‌کند.<sup>۶</sup> قهرمان این داستان پس از شکست در برابر یونانیها و رانده شدن از میهن خویش، تروا (Troy)، به دنبال یافتن موطن جدیدی برای خود و بازماندگان تروایی می‌رود. سفر او ده سال طول می‌کشد و در نهایت و با یاری خدایان در ایتالیا مستقر می‌شوند.

## ۱. کین

اگر مایه اصلی داستانهای بزمی مهر است، جوهر واقعی داستانهای رزمی بیگمان کین خواهد بود. آنجا عشق آفریدگار است و اینجا نفرت پروردگار.<sup>۷</sup> این موتیف که از انگیزه‌های مهم جنگ محسوب می‌شود در آثار حماسی دیگر هم دیده می‌شود برای نمونه در حماسه یونانی *ایلیاد*، پاتروکل، یکی از یاران دلبرند آشیل، توسط هکتور، پسر پریام، کشته می‌شود. آشیل پس از شنیدن این خبر ناگوار "ابری تیره از درد آشیل را فرو گرفت. پس، به دو دست، خاکستر سوزان را در کانون خرگاهش برگرفت و بر سر فرو ریخت و چهره دلاویزش را زشت و دیگرگون کرد"<sup>۸</sup> و به مادرش، تیس (Thetis)، چنین گفت: "از این پس، دیگر نمی‌خواهم در میان مردمان باشم، مگر آنکه هکتور را نخست با نیزه کوبدای در نوازم و او دم زندگانی را از دست بدهد و بهای گستاخی خویش را که پاتروکل، پور منوتیوس را شکار و بازبچه خویش گردانیده است، بپردازد."<sup>۹</sup>

شاهنامه هم یک اثر حماسی است و حماسه به عبارتی قدرت‌نمایی پهلوانان در عرصه‌های جنگ است. جنگ‌های بی‌شمار و در اشکال مختلف در طی حکومت پادشاهان در شاهنامه رخ می‌دهند که می‌توان انتقام‌جویی را از محرک‌های اصلی آنها برشمرد. به عنوان مثال، چنین است ماجرای کین‌خواهی رستم از شغاد:

تهمت بسختی کمان برگرفت  
برادر ز تیوش بترسید سخت

بدان خستگی تیرش اندر گرفت  
بیامد سپهر کرد تن را درخت

...

چو رستم چنان دید بفراخت دست  
درخت و برادر بهم بر بدوخت  
شغاد از پس زخم او آه کرد  
بدو گفت رستم ز یزدان سپاس  
از آن پس که جانم رسیده بلب  
مرا زور دادی که از مرگ پیش  
بگفت این و جانش بر آمد ز تن  
زواره بچاهسی دگر در بمرد

چنان خسته از تیر بگشاد شست  
بهنگام رفتن دلش بر فروخت  
تهمتن برو درد کوتاه کرد  
که بودم همه‌ساله یزدان شناس  
برین کین ما بر نیگذشت شب  
از این بی‌وفا خواستم کین خویش  
ببرو زار و گریان شدند انجمن  
سواری نماند از بزرگان و خرد<sup>۱</sup>

#### اشکال جنگ در شاهنامه:

به طور کلی جنگ‌های شاهنامه شامل جنگ‌های گروهی انسانها با یکدیگر، جنگ‌های انفرادی، جنگ مردان با زنان، جنگ انسان با اهریمنان، جانوران و جادوگران می‌باشد طبق گزارش سرامی شمار جنگ‌های خودی، هفت‌خوانی، ایرانیان با بیگانگان و جنگ‌های گزارش نشده ایرانیان با الاتان، خوارزمیان، کشمیریان و کابلیان، دویست و یک عدد می‌باشد.<sup>۱۱</sup>

بررسی این موضوع در اثر ان‌اید نیز حاکی از آن است که کینه‌جویی، در دل قهرمانان ویرزویل هم سایه افکنده و آنها را به صحنه کارزار می‌کشاند. به طوری که نیمه دوم داستان عمدتاً به توصیف صحنه‌های نبرد پرداخته است. برای نمونه، جونو (Juno) برای انتقام‌گیری از آنه، آلکتو (Allecto) را بر می‌انگیزد تا مانع ازدواج آنه و لاونینیا (Lavinia)، دختر شاه لاتینوس (Latinus) شود:

ای دوست‌زاده ای دختر شبا کاری را، برای خود من، به انجام برسان؛ ...  
مگذار که مردمان آنه بتوانند، در سایه پیوند آنه با دختر لاتینوس، ... سرزمین ایتالیا را به  
چنگ آورند. ... پیوند دوستی و هم‌پیمانی را که در میانه بسته شده است، بگسل؛ انگیزه‌ها  
و بهانه‌های بد جنگ را چون دانه برفشان، چنان شود که جوانان جنگ‌افزار بخواهند؛ آن را،  
بر شور و شتاب بچویند؛ و به زور بستانند.<sup>۱۲</sup>

همچنین، دیانا (Diana)، الهه شکار و ماه، برای گرفتن انتقام کامیل از اپیس (Opis) می‌خواهد:

کمان و ترکش مرا بگیر؛ تیری کیفرستان از آن بدرکش: باشد که این تیر هر کس را، چه  
 تروایی چه ایتالیایی که این نیکر را که به من ویژه داشته شده بود، یا زخمی زنجور دارد و  
 سپندی او را به هیچ بگیرد، به خون، کیفر و بهای ستاند.<sup>۱۳</sup>

ویژگی‌های جنگها را غالباً به در صورت گروهی توصیف می‌کند؛ ولی در پایان داستان، تورنس و آنه تصمیم می‌گیرند که یک تنه با هم روبرو شوند. اما در این ستیز نیز سرانجام سپاهیان تورنس، با تحریک خواهرش به یاریش شتافته و او را در میدان کارزار همراهی کنند.

## ۲. آمازون‌ها

در معرفی آمازون‌ها "چنین گفته شده که آنها از فرزندان خدای جنگ، آرس (Ares) و نیمف، هارمونی (Harmony) بوده، آرتمیس (Artemis) را پرستش کرده و جنگجویانی ترسناک هستند. هم نبرد شدن با این زنان برای سربازان جوان کاری برجسته و مهم به شمار می‌آمد.<sup>۱۴</sup> آمازون‌ها در حماسه‌های مختلفی نقش آفرینی کرده‌اند؛ برای نمونه در *ایلیاد*، پانتزلیه که ملکه آمازون‌ها است، بر علیه یونانی‌ها می‌جنگد و سرانجام به دست آشیل کشته می‌شود. این زنان جنگاور در سنت و ادبیات حماسی ایران نیز مشابهاتی دارند که برای مثال می‌توان *گرشاسب* نامه<sup>۱۵</sup> اسدی طوسی (از منظومه‌های پهلوانی مقلد شاهنامه) را نام برد. در *شاهنامه* نیز، اسکندر به شهری به نام هروم می‌رسد که ساکنان و پادشاه آن بانوانی جنگجویند که همان معادل آمازون‌های *انه/ید* و روایات یونانی است:

همی رفت یا نامداران روم	بدان شارستان شد که خوانی هروم
که آن شهر یکسر زنان داشتند	کسی را در آن شهر نگذاشتند
سوی راست پستان چو آن زنان	بسان یکی ناز بر پرنیان
سوی چپ بگردار جوینده مرد	که جوشن بیوشد بزوز نبرد <sup>۱۶</sup>

در *انه/ید* هم پانتزلیه (Penthesilea) دختر مارس (Mars)، از دلاوران میدان نبرد است:

پانتزلیه خشمگین سپاهیان خویش، زنان آمازون را، با سپه‌هایشان که چون ماه نو  
 چنبرینه‌اند، به سوی پیکار راه می‌نماید؛ و این دوشیزه گندآور و جنگجوی، سرا پا شور  
 پیکار، دمان و بی‌امان، در آن هنگام که بریند زریتش را در فرود سینه برهنه‌اش گره زده-

است. در میانه هزاران جنگاور، از اینکه به رویارویی مردان بشتابد و با آنان در آویزد، پروا نمی‌کند.<sup>۱۲</sup>

کامیل (Camilla) هم یکی دیگر از جنگجویان زن است که همدست تورنس و از مخالفان آنه است.

سرانجام، کامیل آن زن جنگجوی، که از سوی مردان ولسک آمده‌است، همچون گلسی شکوفان، دسته‌هایی از جنگاوران را در پیشاپیش خویش، به پیکار می‌راند که از جنگ - ابزارهای مفرغیشان می‌درخشند. او هرگز دستان زنانه‌اش را به دوک یا به بافتن سبدهای میزرو خوگر نکرده‌است؛ اما، دوئیزه، در پیکارهای سخت کار آزموده شده‌است؛ پاهایش، به هنگام تگ و دو، از بادها پیشی می‌جویند.<sup>۱۳</sup>

حال که از جنگجویان زن سخن به میان آمده است، به نکته‌ای هم در مورد جنگجویان مرد اشاره می‌کنیم. یکی دیگر از ویژگیهای حماسه‌های ادبی معرفی رزم‌آوران همراه با یک سری خصوصیات و ویژگیهایشان است. سرود دوم *ایلیاد* با این ویژگی به پایان می‌رسد؛ هومر، ابتدا مردمان، سالاران و کشتیهای آخایی (یونانی) را معرفی می‌کند و سپس به بر شماری مردمان و سالاران تروایی می‌پردازد. در شاهنامه هم قهرمانان داستان فرود سیاوش چنین معرفی می‌شوند:

پس پشت طوس سپهبد بود	که در کینه پیکار او بد بود
درفشی پس پشت او دیگرست	چو خورشید تابان بدوپیکرست
برادر پدرتست با قر و کام	سپهبد فریبرز کاوس نام
...	
ورا نام گستههم گزدهم خوان	که لرزان بود پیل ازو ز استخوان
...	
ورا بیژن گیوراند همی	که خون باآسمان بر فشاند همی
...	
درفشی کجا غرم دارد نشان	ز بهرام گودرز کـــوادگان
همه شیر مردند و گرد و سوار	یکایک بگویم درازست کار <sup>۱۴</sup>

کتاب هفتم *ایلیاد* هم اینچنین تمام می‌شود:

نخستین کسی که به پیکار می‌بشتابد مزانس است؛ آن جنگاور هراس انگیز؛ ... پسرش، لوسوس ... در کنار اوست، ... در پی آنها، ... یور هرکول زیبا، اوتینوس زیبا به پیش می‌رود

... سپس دو برادر توامان می آمدند ... بنیانگذار شهر پرنست از شناختن بازمانده است ...  
 سرانجام، کامیل آن زن جنگجوی که از سوی مردمان ولسک آمده است.<sup>۲۱</sup>

### ۳. جنگ افزار

قهرمانان آثار حماسی غالباً جنگ افزار ویژه دارند. آشیل در ایلیاد در مورد جنگ افزار دوستش،  
 "دوست دلبندهم پاتروکل را ... از دست داده ام. آنکه او را، پس از فرو کشتن، از جنگ افزارهای  
 زیبایش باز پیراسته است هکتور است؛ جنگ افزارهایی شگرف و مینوی که چشم را به خیرگی می-  
 کشید و بیننده را به شگفت می آورد."<sup>۲۲</sup> و مادر آشیل رو به پسرش: " ... من به المپ بلند خواهم  
 رفت و به نزد هفائستوس؛ تا بدانم که آیا او، آن صنعتگر بلند نام، بدان خشنود خواهد شد که  
 جنگ افزارهایی پر آوازه و درخشان به فرزندم ارزانی دارد."<sup>۲۳</sup>

در شاهنامه نیز "ببر بیان" جامه جنگی قهرمان فردوسی است که از پوست حیوان وحشی  
 ساخته شده است. ولی کدام حیوان؟ تعابیر مختلفی در مورد آن نوشته شده است. دهخدا در لغت نامه  
 خود "ببر" را همان ببر درنده خو تعبیر می کند طبق خود شاهنامه ببر بیان از پوست پلنگ ساخته  
 شده است. ولی به نظر امید سالار این تعبیر طبق ابیات دیگر شاهنامه مورد اطمینان نیست.<sup>۲۴</sup> ولی  
 به هر حال تعبیر هر کس را که بپذیریم منظور از "ببر بیان" حیوان وحشی است. راستی چرا  
 قهرمانان چنین جامه هایی را بر تن می کنند؟ در پاسخ می توان بر این باور اعتقادی اشاره کرد که  
 این رزم جامه نه تنها بر شکوه و ابهت پوشنده می افزاید، بلکه قدرت و درنده خویی آن جانور را به او  
 منتقل و به عبارتی انسان با آن جانور همسان می شود.

برت را ببر بیان سخت کن  
 سر از خواب و اندیشه پردخت کن<sup>۲۵</sup>

در داستان ویرژیل هم پوست شیر، پلنگ، خرس، ببر، گاو نر و گرگ را به عنوان لباس یا جامه  
 جنگی بر تن کرده و یا در مواردی بر سر می نهادند:

سالارشان، خود، پیاده، چرمه غول آسای شیری را بر گرد تن خویش بسته است؛ چرمه ای  
 با یالهایی شگفت و هراس انگیز که پوزه و دندانهای سپید شیر، برآمده در آن، چونان  
 کلاه می، او را به کار می آید. او بدین سان، با پیکری که همویی سرپا تیغه هایی از آن  
 افراخته اند، با این جامه های هرکولی بر تن، به کاخ شاه در می آمد.<sup>۲۵</sup>

آنها حتی خانه ها و اسب های خود را نیز با پوست حیوانات وحشی تزئین می کردند. شاه ایوندر  
 (Evander) در برخورد با انه:

او این سخن را می‌گوید: و آنه بزرگ را به کاشانه تنگ خویش در می‌آورد؛ و بستری از برگ درختان و پوست خرسی از لیبی را برای آرمیدن بندو پیشکش می‌دارد.<sup>۲۵</sup>

و حال در مورد رزم جامه قهرمان ویرژیل آنه در اوایل داستان رزم‌جامه مخصوصی برای خود نداشت؛ ولی مادرش ونوس (Venus)، برای این که او را برای رویارویی با تورنس آماده کند از همسرش ولکان (Vulcan) که خدای آهنگری و آتش بود می‌خواهد تا سپری را برای او درست کند. ولکان هم "شورانگیزترین نماها از تاریخ آینده رم را بر آن برنگاشته و برکنده‌است"<sup>۲۶</sup> ونوس خطاب به آنه:

این است آنچه شویم ساخته‌است؛ دست‌آورد هنری است که من آن را به تو نوید داده بودم؛  
پسرم! در گمان و دو دل مباش از آنکه به زودی، جنگاواران بشکوه لورانتی و تورنس دمان  
را به ستیز و آویز فرا خوانی.<sup>۲۷</sup>

#### ۴. غنائم جنگی

ظاهراً این بن‌مایه از آیین‌های نبرد و کین‌خواهی می‌باشد؛ در ایلیاد وقتی خیر مرگ پاتروکل را به آشیل می‌دهند به او می‌گویند: "او، پاتروکل، بر خاک آرمیده‌است و نیردی سخت و سهمگین پیرامون لاشه برهنه‌اش در گرفته‌است؛ زیرا جنگ‌ابزارهایش را هکتور، جنگاوری که زیب ترگش آونگوار می‌جنبید، بر تن پوشیده‌است"<sup>۲۸</sup> آشیل هم پس از کشتن و انتقام‌گیری از هکتور، جوشن او را در آورده و بر تن می‌کند در شاهنامه نیز بیدرفش پس از کشتن زریز، زره او را می‌برد.

بشاه جهان محفت ماه ترا	نگهدار تاج و سپاه ترا
جهان پهلوان آن زریز سوار	سواران ترکان بکشتند زار
سر جادوان جهان بیدرفش	مر او را بیفگند و برد آن درفش <sup>۲۹</sup>

چنین است توصیف ویرژیل از برخورد تورنس با جنگ‌ابزار پالاس (Pallas) پس از کشتنش:

در پس آنها، آنتون باره جنگی پالاس، بی‌زیب و زیور، پیش می‌آید. او می‌گریسد؛ دانه‌های درشت اشک چهره‌اش را تر می‌سازد. جنگاورانی دیگر نیزه و خود مرد جوان را در دست دارند؛ زیرا دیگر جنگ‌ابزارهای او از آن تورنس است که بر وی چیره شده‌است.<sup>۳۰</sup>

#### ۵. رویین‌تنی پهلوان

میان اقوام هند و اروپایی پهلوانان رویین‌تن یا زخم‌ناپذیر بسیاری وجود دارند که هر کدام به شیوه متفاوتی رویین‌تن شده‌اند.<sup>۳۱</sup> داستان رویین‌تنی آشیل از این قرار است که مادرش، که ایزدبانوی دریا بود، برای این که فرزندش را رویین‌تن کند، او را در آتش و یا به روایت دیگر در



رودخانه استیکس (Styx) فرو کرد و بدین ترتیب تمام قسمتهای بدنش روپین تن شد به جز پاشنه پایش<sup>۳۳</sup> که در دستان مادرش بود.<sup>۳۴</sup> در شاهنامه نیز تنها قهرمان روپین تن فردوسی اسفندیار است:

چو تیر از کف شاه رسته شدی	تن رستم از تیر خسته شدی
برو تیر رستم نیامد یکار	فروماند رستم از آن کارزار
گفت آنگهی رستم نامدار	که روپین تنست این یل اسفندیار <sup>۳۵</sup>

و تنها جای زخم پذیر او:

بزد تیر بر چشم اسفندیار      سیه شد جهان پیش آن نامدار<sup>۳۶</sup>

راستی علت روپین تنی او در چیست؟ در مورد روپین تنی اسفندیار روایات گوناگون وجود دارد.<sup>۳۷</sup> به روایت خود شاهنامه سبب روپین تنی اسفندیار این است که او بازو بسته زردشت است. "بدین معنی که زردشت زنجیری را که از بهشت آورده بود، با دست خود به بازوی اسفندیار بست و این زنجیر اسفندیار را از بد حوادث مصون نگاه می داشت."<sup>۳۸</sup>

یکی نغز پولاد زنجیر داشت	نهان کرده از جادو آژیر داشت
ببازوش در بسته بد زرهشت	بگشتاسپ آورده بود از بهشت
بدان آهن از جان اسفندیار	نبردی گمانی بید روزگار <sup>۳۹</sup>

اما چنین ویژگی در میان قهرمانان ویرزئیل دیده نمی شود.

#### ۶. سخن گفتن با نبردافزار

این ویژگی در شاهنامه دیده می شود ولی در *انه/نید* مثالی برای آن وجود ندارد:

چو رستم سلیح نبردش بدید	سر افشاند و باد از جگر برکشید
چنین گفت کای جوشن کارزار	بر آسودی از جنگ یک روزگار
کنون کار پیش آمدت سخت باش	بهر جای پیراهن بخت باش
چنین رزمگاهی که غران دو شیر	بجنگ اندر آیند هر دو دلیر
کنون تا چه پیش آرد اسفندیار	چه بازی کند در دم کارزار <sup>۴۰</sup>

به نظر سرامی<sup>۴۱</sup> این گونه از گفتارها کنایه آمیز است و از مقوله گفتن به در و به آهنگ شنفتن دیوار این یکی از شگردهای فردوسی در کاستن از یک نواختی گفتارها و خلق فضاهای پر جاذبه برای داستانش است.

### نتیجه گیری

فردوسی شاهنامه را در قرن دهم میلادی و تحت شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه ایران سرود که با جو حاکم بر رم، زمان ویرزیل، یعنی زمان امپراطوری آگوستوس (Augustus) در قرن یکم قبل از میلاد متفاوت بود. ولی با این وجود نتایج حاصل از این تطبیق حاکی از وجود تعدادی مضامین مشترک مهم در این دو است. کین خواهی، به عنوان یکی از مهمترین اسباب جنگ، رزم آوران را بارها و بارها به میدان‌های کارزار می‌کشاند. در آن میدانها نه تنها مردان در مقابل مردان قرار می‌گیرند، بلکه آنها با جنگجویان زن هم می‌جنگند، قهرمانان با رزم‌جابه‌های ویژه در صحنه‌های نبرد حاضر می‌شوند و پس از شکست دشمن زره، کمر، کلاه و یا سایر وسایل او را بر تن کرده و یا به غنیمت می‌برند و اما موارد متفاوت در شاهنامه قهرمان رویین تن دیده می‌شود، اما در *انه/ید* سخنی از رویین‌تنی نرفته‌است. مورد دیگری که در *انه/ید* دیده نمی‌شود سخن گفتن قهرمانان با نبردآزارهایشان است.

راستی علت این تشابهات در چیست؟ در پاسخ می‌توان به توانایی شاعران، قالب‌های شعری یکسان و ریشه‌های مشترک فرهنگی اشاره کرد. شاهنامه و *انه/ید* هر دو در قالب یک ژانر ادبی (حماسی ادبی) برای خوانندگان ارائه شده‌اند و همانطور که پیشتر اشاره شد، حماسه‌های ادبی دارای ویژگیهای خاصی هستند که با ساختار سایر حماسه‌ها همچون *میلگمش*، *بیوولف*، *ایلیاد* و *اودیسه* متفاوت می‌باشند. شاعران هم، با علم به وجود مشترکات فرهنگی و با درایت کافی این اصول و قوانین را در آثارشان پیاده کرده و چنین آثاری را از خود به جای گذاشتند؛ آثاری که با وجود قدمت طولانی هنوز در محافل ادبی از آنها سخن می‌رود. این امر خود، گواهی دیگر است بر فرهیختگی، هنرمندی و توانمندی فردوسی و ویرزیل.

## یادداشت‌ها

- ۱- *ایلیاد* و *اودیسه* دو حماسه معروف یونانی هستند که به هومر نسبت داده شده و در هزاره قبل از میلاد و در بیست و چهار کتاب سروده شده‌اند. *ایلیاد* روایت دهمین سال یا به عبارتی آخرین سال جنگ یونانی‌ها و تروایی‌ها است و *اودیسه* هم روایت ماجراجویی اولیس است هنگام بازگشت از جنگ تروا به وطن خویش ایتاک.
- ۲- گیلگمش یکی از قدیمیترین و گیراترین حماسه‌های معروف جهان است که در هزاره سوم قبل از میلاد سروده شده است. این اثر در دوازده کتاب، داستان زندگی گیلگمش را که به دنبال شهرت و زندگی ابدی است بازگو می‌کند. "شاید شگفت‌آور باشد که داستانی تا این حد قدیمی هنوز توان برانگیختن و جذب کردن خوانندگان قرن بیستم را دارد و براساسی اینگونه است." (فلزی، ۱۳۷۶، ص ۱۰)
- ۳- بیوولف قهرمان افسانه‌ای است که پادشاهی هرتگار را از دست دو غول، گرندل و مادرش، نجات داده و خود توسط اژدهایی کشته می‌شود.
- ۴- *Os Lusíadas* که در انگلیسی به *The Lusíads* معروف است، حماسه ملی پرتغالی است که در ده سرود توسط یکی از شاعران نامدار پرتغالی به نام، Luis Vaz de Camoes، سروده شده است؛ شاعری که هم تراز هومر، ویرژیل و دانته محسوب می‌شود. موضوع اصلی داستان سفر واسکو دا گاما به هندوستان است. ماجرای این داستان تلفیقی است از حوادث واقعی، تاریخی، افسانه‌ای، اسطوره‌ای، همراه با تلمیحاتی به دین مسیحیت.
- ۵- در ادبیات غرب دو نوع حماسه وجود دارد: حماسه‌های *traditional* یا *oral* و حماسه‌های ادبی. حماسه‌های *traditional* در ابتدا شفاهی بودند و پس از مدتها به صورت مکتوب درآمدند. (گیلگمش، بیوولف، *ایلیاد*، *اودیسه*، سرود نیبلونگها از این دسته‌اند). ولی حماسه‌های ادبی از همان ابتدای کار مکتوب بوده و ویژگیهای خاصی داشتند که این ویژگیها را ویرژیل از *ایلیاد* و *اودیسه* گرفته و در *اناید* پیاده کرده بود. بنابراین می‌توان گفت ویرژیل تاثیر بسزایی در شکل‌گیری، ساختار و قالب حماسه‌های ادبی دارد؛ "زیرا که بعدها *اناید*، الگوی مهمی برای سایر حماسه‌های ادبی، از جمله بهشت از دست رفته میلتون شد." (Abrams, ۲۰۰۵, P. ۸۱)
- ۶- نیمه اول داستان، که انه از تروا به ایتالیا سفر می‌کند، شبیه ماجرای *اودیسه* است و قسمت دوم که در آن انه در میدان‌های نبرد ستیزه جویی می‌کند، همانند وقایع نقل شده در *ایلیاد* است.
- ۷- سرامی، ۱۳۸۳، ص ۶۴۸.
- ۸- کزاز، *ایلیاد*، ص ۴۰۸.
- ۹- همان، ص ۴۱۰.
- ۱۰- شاهنامه ج ۶/صص ۳۳۳-۳۳۴/ب ۲۰۱-۲۱۲.
- ۱۱- سرامی، صص ۴۴۴-۴۴۵.

- ۱۲- کزازی، *انه‌اید*، صص ۲۳۳-۲۳۴.
- ۱۳- همان، ص ۳۷۲.
- ۱۴- *The Wordsworth Dictionary of Mythology*, ۱۹۹۴, P. ۳۰.
- ۱۵- *گرشاسپ‌نامه* یکی از معروفترین منظومه‌هایی است که به پیروی و تاثیر از *شاهنامه* و به فاصله تقریبی نیم قرن پس از آن سروده شده‌است. آیا *گرشاسپ‌نامه* حماسه است یا اثری حماسه‌گونه؟ "آن طور که تعدادی از پژوهشگران پنداشته‌اند *گرشاسپ‌نامه* منظومه حماسی، بویژه حماسه ملی کاملی نیست. چون مهمترین و بنیادیتین ویژگی یک حماسه کامل، یعنی جنبه ملی و میهنی ندارد و سراسر بر محور شخصیت *گرشاسپ* و پهلوانیها و جنگجوییهای شخصی او شکل گرفته‌است. ... پس با این تفاسیر می‌توان آن را اثری "حماسه‌گونه" دانست" (آیدنلو، ۱۳۸۲، ص ۲۰) با این وجود، در این اثر به اصطلاح "حماسه‌گونه" نیز از زره و ویژه قهرمان، کین‌خواهی و نبردهای بیشمار صحبت شده‌است.
- ۱۶- *شاهنامه* ج ۷/ ص ۷۴ ب ۱۲۳۵-۱۲۳۸
- ۱۷- کزازی، *انه‌اید*، ص ۳۸.
- ۱۸- همان، ص ۲۴۹.
- ۱۹- *شاهنامه* ج ۴/ صص ۴۱-۴۳ ب ۵۰۹-۵۳۱
- ۲۰- کزازی، *انه‌اید*، صص ۲۴۴-۲۵۰.
- ۲۱- کزازی، *ایلیاد*، صص ۴۰۹-۴۱۰.
- ۲۲- همان، ص ۴۱۱ برای جزئیات بیشتر در مورد نقوش سپر آشیل ر. ک. به همین منبع، سرود هژدهم، صص ۴۲۳-۴۲۷.
- ۲۳- امید سالار، ۱۳۸۱، ص ۳۳.
- ۲۴- *شاهنامه* ج ۳/ ص ۱۸۹ ب ۲۴۴.
- ۲۵- کزازی، *انه‌اید*، ص ۲۴۵.
- ۲۶- همان، ص ۲۶۶.
- ۲۷- همان، ص ۲۵۳.
- ۲۸- همان، ص ۲۷۵ برای جزئیات بیشتر در مورد نقوش سپر آناه ر. ک. به همین منبع، کتاب هشتم، صص ۲۷۵-۲۷۹.
- ۲۹- کزازی، *ایلیاد*، صص ۴۰۷-۴۰۸.
- ۳۰- *شاهنامه* ج ۱۶/ ص ۱۱۰۶ ب ۶۰۲-۶۰۴.
- ۳۱- کزازی، *انه‌اید*، ص ۳۵۵.
- ۳۲- خالقی مطلق در چند صفحه اول مقاله "ببر بیان" در مورد رویین‌تنی پهلوانان حماسه‌های غیر ایرانی صحبت کرده‌است. (خالقی مطلق، ۱۳۷۲، صص ۲۷۵-۲۸۰)
- ۳۳- در مورد "پاشنه آشیل" یا قسمت زخم پذیر بدنش اصطلاحی در زبان انگلیسی داریم.

the heel of Achilles or one's Achilles heel که به معنی مجازی یعنی نقطه ضعف.  
 ۳۴ - *The Wordsworth Dictionary of Mythology*, P. ۲۰.

۳۵- شاهنامه ج ۱۶ ص ۲۸۶/ پاورقی شماره ۲۴.

۳۶- شاهنامه ج ۱۶ ص ۱۳۰۴/ ب ۱۳۸۸.

۳۷- برای اطلاعات بیشتر در این مورد ر. ک. به مقاله "بیر بیان" خالقی مطلق، صص ۲۸۲-۳۴۲.  
 همچنین ر. ک. به مقاله "راز رویین تنی اسفندیار"، امید سالار، صص ۳۰-۴.

۳۸- خالقی مطلق، صص ۲۸۳-۲۸۲.

۳۹- شاهنامه ج ۱۶ ص ۱۱۷۹/ ب ۲۱۷-۲۱۹.

۴۰- شاهنامه ج ۱۶ ص ۲۷۴/ ب ۹۳۶-۹۴۰.

۴۱- براسی، ص ۲۹۶.

## منابع

## الف- فارسی

- آیدنلو، سجاد، ۱۳۸۲. *پهلوان نامه گرشاسپ*. (تلخیص و بازنویسی کتاب گرشاسپ نامه اثر علی بن احمد اسدی طوسی)، زیر نظر اکبر ایرانی و علیرضا مختارپور. چاپ دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی اهل قلم.
- امیدسالار، محمود، ۱۳۸۱. *جستارهای شاهنامه شناسی و مباحث ادبی*. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- تودوا، ماگالی، ۱۳۷۷. *از پانزده دریچه (نگاهی به فردوسی و شاهنامه او)*. زیر نظر دکتر محمد کاظم یوسف پور. گیلان: انتشارات دانشگاه گیلان.
- جمالی، کامران، ۱۳۶۸. *فردوسی و هوسر*. تهران: انتشارات اسپرک.
- *حماسه گیلگمش*. از ن. ک. ساندروز، ترجمه محمد اسماعیل قلزی، ۱۳۷۶. چاپ اول، تهران: انتشارات هیرمند.
- خالقی مطلق، جلال، ۱۳۷۲. *گل رنج های کهن*. (برگزیده مقالات درباره شاهنامه فردوسی). به کوشش علی دهباشی. چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۱. *تاسورتنامه*. درباره فردوسی و شاهنامه. تهران: انتشارات سخن.
- ستوده، غلامرضا، ۱۳۷۴. *تصیرم از این پس که من زنده ام*. مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت فردوسی. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سرامی، قدمعلی، ۱۳۸۳. *از رنگ گل تا رنج خار: شکل شناسی داستان های شاهنامه*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- صفا، ذبیح الله، ۱۳۸۴. *حماسه سرایی در ایران*. از قدیمیترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری. چاپ هفتم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- عابدی، حسن، ۱۳۷۰. *شاهنامه در هند*. در *فردوسی و شاهنامه*. مجموعه سی و شش گفتار. چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات مدیر. به کوشش علی دهباشی.
- عبادیان، محمود، ۱۳۶۹. *فردوسی و سنت و نوآوری در حماسه سرایی*. نوبت اول، تهران: انتشارات گهر.
- فردوسی، حکیم ابوالقاسم، ۱۳۷۴. *شاهنامه*. (بر اساس چاپ مسکو) به کوشش دکتر سعید حمیدیان، چاپ دوم، تهران: نشر قطره.
- محمودی بختیاری، علیقلی، ۱۳۷۷. *شاهنامه آبشخور عارفان*. چاپ اول، تهران: نشر علم.

- مرتضوی، منوچهر، ۱۳۷۲. *مخردوسی و شاهنامه*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ویرژیل *انئاید*. ترجمه میرجلال‌الدین کزازی، ۱۳۸۱. چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- هومر *ایلیاد*. ترجمه میرجلال‌الدین کزازی، ۱۳۸۱. چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.

#### ب- انگلیسی

- Abrams, M. H., ۲۰۰۵. *A Glossary of Literary Terms*. ۸<sup>th</sup> ed., USA: Thomson Wadsworth.
- *The Aeneid*, tr. Stanley Lombardo, ۲۰۰۵, Indianapolis: Hackett Publishing Company, Inc.
- Comte, Fernand, ۱۹۹۴. *The Wordsworth Dictionary of Mythology*. England: Wordsworth Editions Ltd.
- Cuddon, J. A., re. C.E. Preston, ۱۹۹۹. *Dictionary of Literary Terms and Literary Theory*. England: Penguin Books.

